

## پیش دانشجو

### سنگر شماره ۱ : پناه گاه امن رب الفلق

گزارشی از کلاسی تدبیر ویژه خواهران دبیرستانی

#### • کوثر مهدیان

اول نوشت: سید! صدا می رسد؟ سید! سید! سید! ... سید جان! این جا بی سیم ها  
اتصالی کردن، ما در نقطه عملیاتیم، دشمن در چند قدمی ماست ...

فلق یعنی موقعی، که حرکتی در تاریکی ایجاد می شود، که نوید روز را می دهد. از  
این رهگذر آنچه از معنای فلَق برمی آید، حرکت است! حرکت.

اول اول نوشت: در این معرکه، که شرور بر جان و هستی ما یورش برده اند؛ ما  
درحال نگاشتن گزارش از پناه گاهی هستیم که، دست هیچ شری به ما نمی رسد،  
خیالتان راحت !

احتمال می رود که، فرمانده امشب مشق شب تجویزمان کند؛ و ما را کیلومترها

#### در نسخه الکترونیکی

#### و تارنوش کاشف

#### بخوانید!



#### • تا حالا چند بار کاشف را خوانده ای؟

شما که دست به پیامکت بیست است، بی زحمت به این سؤال هم جواب بده  
و شماره گزینه مورد نظرت را تا آخر وقت سه شنبه ۱۰ آبان به ۰۷۴۲۰۷۳۰۰۰ ارسال کن.

۱. اولین بار است      ۲. کمتر از پنج بار      ۳. کمتر از ده بار      ۴. بیش از ده بار

راستی، در اهمیت این نظرسنجی برای ما، تردید به دلت راه نده.



اللهم جـلـولـیـکـالـفـجـ

باجتـلـیـکـالـحـجـ



سه شنبه  
۳ آبان ۱۳۹۰  
شماره ۲۳  
هفته نامه فرهنگ، خبری  
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران  
www.Kashef.goo.ir | KashefNews@Live.com

برای عضویت در انجمن ادبی خوشه چینان وحی  
نام خود را به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید  
برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف  
نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره  
۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید



امام جواد(علیه السلام) فرمودند

إِظْهَارُ الشَّيْءِ قَبْلَ أَنْ يُسْتَحْكَمَ مَفْسَدَةٌ لَهُ  
اظهار چیزی پیش از آنکه پایدار شود، مایه تباهی آنست.

تحف العقول عن آل الرسول(علیهم السلام)، ص: ۴۵۸

#### به نام ســــــــلام

## هوس و دلتنگی در معرکه جهاد

#### • کاظم رجبعلی

را بکن هر چي این هندونه شیرین تر باشه بهتره؛ قاچ شتري که درست کنی و دستشون بدي، اون موقعی که آب از لب و لوجه‌شون راه بیفته، آخر صفاست! هندوانه خواستنش یه چشمه از هوس نوبرانه او بود. در مورد چیزهای دیگر

هم همین‌طور فکر می‌کرد؛ حتی معنویت! چون معرکه نبرد ذائقه اون رو جهت خدایی داده بود. کاش یه مو از اون توی تن من و تو باشه! آخه عرصه جهاد، جای خودخواهی‌ها نیست حتی خودخواهی‌های عارفانه! از همان‌هایی

- اگر به وسیله تمایلات و دلتنگی‌هایم، درک بهتری از دلتنگی‌ها و تمایلات دیگران پیدا کنم، میل و دلتنگی رو عشق است.**
- 

#### پیشخــــــــــــــــوان

### گــــــــردهای عابد!

#### پشــــــــت پنجره

### قدرشناس!

نکاتی برگرفته از مباحث رشد استاد غفرانی (واحد خانواده)

##### • نرگس ضرغامی

﴿فتبارک‌الله احسن‌الخالقین﴾

پس آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است.
سوره مبارکه مؤمنون ﴿۱۴﴾

اولین ارزش انسان که ارزشی انتسابی است، بندگی خداست، همچنین او بالاترین و بزرگ‌ترین آیت خداست. دومین ارزش او استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌هایی است که خداوند در وجودش قرار داده که این ارزش باعث تمایز او از دیگر مخلوقات است؛ و به همین دلیل می‌فرماید هر آنچه در آسمان و زمین است سَخَّرَ لَکُم.

عالمِ ارث ما انسانها است؛ ولی هیچ یک از ما دغدغه‌های بزرگ نداریم؛ زیرا شعاع دیدمان تنگ است.

عالمِ ارث ما انسانها است؛ ولی هیچ یک از ما دغدغه‌های بزرگ نداریم؛ زیرا شعاع دیدمان تنگ است. به عنوان مثال خداوند به ما قدری داده که ما را از ابرار می‌کند، ولی ما به همین جایی که هستیم راضی می‌شویم. جالب است بدانیم، انسان تنها مخلوقی است که قدر خود را نمی‌داند؛ لذا خداوند فرموده «أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُون»؛ بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. آیات ۲۴۳ سوره مبارکه بقره، ۶۱ سوره مبارکه غافر و ۳۸ سوره مبارکه یوسف.

ما انسان‌ها قدر هر چیز را بیشتر از قدر خود می‌دانیم، و خود را به خاطر هر چیز خرج می‌کنیم. حال این سؤال پیش می‌آید که، کدام یک از مخلوقات

که در اکثر دل‌نوشته‌ها موج می‌زند و در

گلایه‌ها و شکوایه‌های شخصی خلاصه می‌شود. اینکه من دلم چه می‌خواهد اصلاً مهم نیست، حتی اینکه من دلم گرفته به درک! وقت این ناز و اطوارها نیست، اما اگر به وسیله تمایلات و دلتنگی‌هایم، درک بهتری از دلتنگی‌ها و تمایلات دیگران پیدا کنم، میل و دلتنگی رو عشق است.

**امام سجاد**(علیه‌السلام) فرمود: «اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شيعتنا العاهة؛ و جعل قلوبهم کریرالحدید؛ و جعل قوّة رجل منهم قوّة اربعین رجلاً؛ و یکنون حکام الارض و سنامها»

مشکاة‌الأنوار، ص۷۹



عین‌الکاشف: هفته گذشته، بعد از مدت‌ها مباحثه بین اساتید مدرسه، بالاخره تکلیف قبولی‌های پایان‌نامه‌های مدرسه قرآن مشخص شد؛ تقسیم بین

(گیاه، حیوان، جماد، جن، فرشته و انسان) احساس حقارت، پوچی و بیهودگی می‌کنند؟ طبق آیه ۱۱۵ سوره مبارکه مؤمنون؛ تنها انسان است که احساس بیچارگی می‌کند؛ «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا؛ پس آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده آفریده‌ایم؟!»

سؤال: آیا با دانستن قدر و قیمت خود -طبق سخن خدای متعال- باز هم احساس حقارت و بیهودگی می‌کنیم؟

### مقابله با عیوب دیگران؛ باید‌ها و نباید‌ها!

گزارشی از کلاس مروری بر قرآن استاد اخوت، شنبه ۳۰ مهر، سوره مبارکه همزه

##### • فهیمه جواد

کلاس شنبه این هفته، در محضر سوره مبارکه‌ی همزه برگزار گردید. علت انتخاب این سوره پس از اتمام سوره مبارکه مطففین، وجود کلمه وِیل در ابتدای این دو سوره بود. در واقع این دو سوره، هر کدام به معرفی یک رفتار غلط اجتماعی، و علل به وجود آمدن آن و آسیب‌های آن در دنیا و آخرت پرداخته‌اند. موضوع سوره مطففین؛ کم فروشی و علل و تبعات آن است، و موضوع سوره همزه، طعنه زدن و همز و لمز، علل و تبعات آن است.

- اگر منبع تعیین عیوب، عرف و یا ذهنیات فردی و اجتماعی باشد، احتمال گرفتار شدن در ورطه همز و لمز بسیار زیاد است**
- 

می‌توان، علل اصلی ابتلای فرد به بیماری همز و لمز را این گونه برشمرد:

- دیدن عیوب دیگران؛ و غفلت از عیوب شخصی خود
- جمع‌آوری و محاسبه مداوم مال، و آنچه که فرد تصور می‌کند در جاودانگی او مؤثر است.

- داشتن آرزوهای طولانی دنیایی؛ و غفلت از یاد قیامت

آنچه که اهمیت دارد؛ تعیین مرز میان عیب‌جویی و طعنه‌زنی، با نصیحت اندازی و هشداری است. برای روشن شدن این مرز، آیات ۲۰ تا ۲۶ سوره مبارکه یس، در کلاس قرائت شد. این آیات، طعنه‌زنی یک قوم به رسولان الهی را بازگو می‌کند، و در مقابل عکس‌العمل کریمانه حبیب نجار را، در مقابل این طعنه‌زنی‌ها نشان می‌دهد. گذشته از نوع انتخاب بیان و تعیین کلمات، مهم‌ترین تفاوت میان طعنه و نصیحت اندازی، تعریف فرد از عیب است.

اگر منبع تعیین عیوب، عرف و یا ذهنیات فردی و اجتماعی باشد، احتمال گرفتار شدن در ورطه همز و لمز بسیار زیاد است، و اگر حق و صراط مستقیم منبع تعیین عیوب باشد، به شرط رعایت بیانی متناسب با شرایط طرف مقابل و در نظر داشتن سطح رشد او، نصیحت اندازی و هشداری است.

نکته مهم دیگر این است که، از بین بردن عیوب و ایرادات در افراد، بدون توجه به مراحل سیر رشد فردی، غیرممکن است. مؤثرترین اقدامی که می‌توان در مقابل عیوب دیگران کرد، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای انتقال فرد به مراحل بالاتر رشد فردی است؛ به این معنا که فرد در هر مرحله از مراحل مختلف رشد، در معرض عیوب خاصی است؛ که به جای مبارزه با آن عیوب، باید کمک کرد تا فرد به مرحله بالاتری از رشد انتقال یابد و از آن عیوب رهایی یابد و این در واقع اقدام ابرار در مقابله با عیبهای موجود در جامعه است.

### عطیه، به اندازه نیت است...

بررسی نکات و دقایقی از دعا از منظر قرآن، کلاس استاد رحیمی، جلسه چهارم

#### • آتنا رمضان

انسان در زندگیش دو نظام دارد:

۱- نظام فطری و شعور باطنی: در نظام فطرت تخلف راه ندارد؛ مانند اینکه انسان بیمار در عین اینکه داروی تلخ را نمی‌خواهد و از آن گریزان است، طالب بهبودی خویش است. بنابراین شعور باطنی و فطریش صحت را می‌خواهد؛ هر چند که با عملش خلاف آن را درخواست می‌کند.

##### خوشه چــــــــــــــــنان

##### آب انــــــــــــــــار...

سوره مبارکه عصر

##### • فاطمه صادقی قهرودے

استفاده از تمثیل‌ها متفاوت است:

۱. گسترده کردن مصادیق واژگان

- نکتهٔ ۱: در بررسی گستردگی و بسط مصادیق واژگان، باید به دو مبنا توجه داشت؛ یکی آنکه هر مصداقی برای خودش قلمرو و حوزه مشخصی دارد، بنابراین باید به خود مصداق هم توجه کرد. دوم آن که، برای گسترده کردن مصادیق، پیدا کردن مصادیقی که بیش از بقیه معنای واژه در آنها نمود پیدا کرده است، ضروری و کاربردی است.

- ابتدا برای هرکدام از واژگان، مصادیق عرفی ردیف شود. بعد، از هر کدام، واژگانی که از لحاظ فضا با هم ارتباط دارند، جدا شود. در نهایت بر اساس آن فضاسازی متن انجام شود.**
- 

تمثیل‌ها بود، و چگونگی به کاربردن آن‌ها در متن.
- نکتهٔ ۲: دو روش می‌توان در این الگوی تمثیلی به کاربرد: یکی آن که، مصادیق شناخته‌شده(مصادیق

۲. نظام تخیلی: این نظام بسیار دست‌خوش خطا و اشتباه می‌شود. چه بسیار حاجات که انسان در نظام تخیلش طلب می‌کند و به آن می‌رسد، و بعد می‌فهمد که برایش سودمند نیست؛ و همینطور چه حاجت‌هایی که نمی‌خواهد ولی به آن می‌رسد و می‌بیند که خوب است.

- خدای تعالی، کلید همه خزینه‌های غیبش را در دست خود تو قرار داد؛ و آن این است که به تو اجازه داد از او مسئلت کنی.**
- 

حال با دانستن این معنا روایت زیر را بررسی می‌کنیم: در نهج البلاغه در یکی از وصایای امیر المؤمنین(علیه‌السلام) به فرزندش حسین(علیه‌السلام) آمده: خدای تعالی، کلید همه خزینه‌های غیبش را در دست خود تو قرار داد؛ و آن این است که به تو اجازه داد از او مسئلت کنی. با این کلید که همان دعا است هر دری از درهای نعمتهای او را بخواهی می‌توانی بگشایی؛ و باران رحمت او را به سوی خود ببارانی؛ پس هرگز دیر شدن اجابت خدا تو را نومید نسازد، که عطیه به قدر نیت است. و چه بسا اجابت دعایت بدین جهت تاخیر می‌افتد، که اجرش برایت بیشتر باشد؛ که بزرگترین عطا همان آرزو و انتظار اجابت داشتن است. و چه بسا چیزی از خدا بخواهی و خدا آن را به تو ندهد؛ بلکه بهتر از آن را بدهد؛ حال یا در دنیا و یا در آخرت؛ و یا بدین جهت مستجاب نکند که خواسته است بلائی را از تو بگرداند؛ چون آنچه خواسته‌ای بلای جان تو است. زیرا بسیار می‌شود که از خدا چیزی بخواهی که مایه نابودی دین تو است، اگر آن حاجت را برآورند، دینت را از دست می‌دهی. پس بر تو باد که همیشه از خدا چیزی بخواهی که جمال و زیبائیش برایت بماند، و وزر و وبالش از بین برود، نه مال، که نه تنها برای تو نمی‌ماند، بلکه تو هم برای آن نمی‌مانی.

عبارت «عطیه به مقدار نیت»، به معنای آنست که استجابت همواره مطابق دعا است، پس آنچه سائل بر حسب عقیده قلبیش و حقیقت ضمیرش از خدا می‌خواهد، خدا به او می‌دهد و این عبارت بهترین و جامع‌ترین کلمه است برای بیان ارتباط میان درخواست و اجابت.



اُمّی) خود را به صورت استعاره به کار بگیریم و با تطبیق آن با انسان، مطلب را شرح و بسط دهیم. دو این که، از ترکیب مصادیق مختلف با هم به یک فضای جامع برسیم که، بتوان همه سوره مورد نظر را در آن مشاهده نمود.
۲. استفاده از فضای سوره های دیگر
۳. استفاده از روایات ثواب قرائت
۴. استفاده از عناصر طبیعت با استفاده از لوازم معنا و کاربردهای معنای واژه
۵. استفاده از مصادیقی که در عرف به کار رفته است.

- روش پیشنهادی: ابتدا برای هرکدام از واژگان، مصادیق عرفی ردیف شود. بعد، از هر کدام، واژگانی که از لحاظ فضا با هم ارتباط دارند، جدا شود. در نهایت بر اساس آن فضاسازی متن انجام شود.